

تلخی شرایط جنگی و صف‌های طولانی بنزین در این ایام برای همه ما کلافه‌کننده بوده است اما انگار در شرایط سخت و احوالات تلخ، می‌توان بیشتر مطمئن شد که انسانیت زنده است



صبر در صف

در صف‌های طولانی پمپ بنزین‌ها، آرامش برقرار است



عکس: همشهری / مونا قاضی

جنگ
نوشت

فرهاد پلدا
روزنامه‌نگار

شهید بهشتی آغاز می‌شود. ماشین‌ها با فلاشر به همدیگر مسیر صف را نشان می‌دهند و برخلاف تصور همیشگی که بوق و دعوا و پیچیدن در صف، جاری باشد خبری از این بی‌مبالاتی‌ها نیست. در انتهای نرده‌های خط ویژه که ماشین‌های مانده در صف پمپ بنزین می‌خواهند به داخل جایگاه بپیچند هم خبری از شیطنت و در صف زدن نیست. مردم پذیرفته‌اند که باید در شرایط جنگی آرامش را حفظ کنند و به قول یکی از کارکنان جایگاه در صف نزنند. دو سه ماشین انتظami با سرعت عبور می‌کنند و خط ویژه را پشت سر

می‌گذارند اما یک ماشین با چراغ گردان در خط ویژه درست تقاطع پمپ بنزین می‌ایستد. راننده به آرامی به نخستین نفر در نوبت اشاره می‌کند که اجازه بدهد برای ادامه ماموریت بدون صف به جایگاه برود. مالک ماشین پرآیدی که نوبتش شده برای رفتن به جایگاه با آرامش مأمور را نگاه می‌کند و می‌گوید اگر حین انجام عملیاتی برو جلوی من بزن. راننده ماشین ویژه دست به احترام و تشکر کنار پیشانی می‌برد و دوباره روال قبل ادامه می‌یابد. ما در کنار هم هستیم، در شرایط سخت و با صبر ساعی...

تهران خانه ماست، ترکش نمی‌کنیم

با وجود جنگ روانی رژیم صهیونیستی، هنوز بسیاری از مردم در تهران به زندگی خود ادامه می‌دهند

گزارش

لیلا شریف
روزنامه‌نگار

تهران، خلوت شده اما خالی، نه‌از هیاهو و ترافیک جمعیت ۱۳میلیونی شناور در مراکز اداری و عمومی و ترافیک سنگین اتوبان‌ها خبری نیست اما زندگی در دل محله‌ها و کوچه‌ها ادامه دارد و رفت و آمدها در جریان است.فروشگاه‌ها، مکانیکی‌ها، میوه‌فروشی‌ها و نانواپی‌ها دایرند و مردمی که مانده‌اند، خشمگین از حملات رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان، می‌گویند که می‌مانند، می‌گویند که تهران خانه و کاشانه‌شان است. ترامپ، رئیس جمهور آمریکا پامداد سه‌شنبه، بیست و هفتم خرداد اعلام کرد که مردم تهران را تخلیه کنند ولی بادمیدن خورشید، تهران زنده بود.

اینجا شهر ماست

مرتمی ۶۴ ساله است، جنگ هشت ساله را دیده، از نزدیک شاهد ترورهای سال ۶۰منافقان بوده و می‌گوید بیدی نیستیم که با این باداسرایل بلرزیم: «اینجا شهر ماست، من جنگو دیدم، از این سر و صداها هم نمی‌ترسم. می‌مونم برای شهرم، خونوادام و عزیزانم».

ماندن با مراقبت و حواس جمع

فضای مجازی بر شده از روایت کسانی که در تهران مانده‌اند و می‌گویند قصدشان ترک شهر نیست. سعید، ۴۰ساله یکی از آنهاست. او نوشته می‌ماند اما با احتیاط و رعایت برخی نکات ایمنی: «شیشه‌ها را چسب زدم، زیر لوستر نمی‌خوابم، کمی آب ذخیره کردم، برای خرید اقدام اساسی حرص نمی‌زنم و مراقب سالمندان ساختمان هستیم.» او ایده‌هایش را برای ماندن در تهران بازترش کرده و گفته با رعایت چند نکته ساده، ماندن در تهران را ترجیح می‌دهد.

ترامپ و نتانیاهو با هم، غلط کردند

اواسط پامداد روز سه‌شنبه، رسانه‌های آمریکایی اعلام کردند که ترامپ گفته مردم تهران را تخلیه کنند، عصر دوشنبه هم رسانه صهیونیستی اعلام کرده بود که ساکنان منطقه ۳، خانه‌هایشان را تخلیه کنند و با این روش، تلاش کردند در پایتخت، جنگ روانی راه بیندازند. اما هیچ کدام از این دو بازی رسانه‌ای باعث اضطراب شدید در دل اهالی تهران نشد. میترا، ۲۷ساله می‌گوید: «ترامپ و نتانیاهو با هم غلط کردند که به خانه حمله کردند و می‌گویند برویم با بمانیم. اینجا جنگ روانی است. ما می‌مانیم، من همین امروز صبح رفتم کافه، قهوه‌ام را گرفتم و وسط بلوار کشاورز نوشیدم. تهران شهر ماست.»

کسانی هم که رفتند، به زودی برمی‌گردند

حامد کارمند بانک است و کار مراجعه‌کنندگان را با دقت پیگیری می‌کند. او می‌گوید همسرش را و کودکش را به

گزارش
روزنامه‌نگار

رابعه تیموری



عکس: همشهری / امیر پناهپور

سنگین بر خیابان فردوسی سایه انداخته، اما دلalan از تابلوهای کاغذی و الکترونیکی که قیمت‌های روز دلار و یورو، پوند، فرانک، درهم و دینار را نمایش می‌دهند چشم برنمی‌دارند. هر رهگذری هم برای آنها حکم مشتری را دارد و با زمزمه‌های بازار گرم کن خود به سراغش می‌روند: «دلار... دلار...»، بی تفاوتی و گذر عجولانه رهگذران هم آنها را ناامید نمی‌کند و فقط پرس و جوی ساده آنها درباره نرخ ارزهای مختلف کافی است تا برای پای معامله آوردن‌شان سنگ تمام بگذارند. از هر دری می‌گویند تا مجاب‌شان کنند که در بر پاشنه سابق می‌چرخد و هر چقدر امروز دلار خریداری کنند، در گل آلود کردن بازار و بالا بردن سود خود سهم بیشتری خواهند داشت، ولی پاسخی می‌شنوند که برای‌شان تازگی دارد: «دلار...؟ نه، ممنون!» اصرارشان برای بر سر لطف آوردن مشتریان هم به توضیحات طول و تفصیلی می‌رسد که به سرزنش بی‌شبهات نیست: «این سود خوردن ندارد، ما الان وسط جنگیم... مردم را می‌زنند تا قیمت ارزشان را بالا ببرند، ما هم در زمین آنها بازی کنیم؟... همین شما هستید که وسط جنگ قیمت‌ها را صد برابر بالا می‌برید...»

معادلات درست و غلط

بازار صرافان به حالت نیمه تعطیل درآمده و سکوتی



روستای پدری برده و خودش برگشته: «آنها که رفتند بیشتر کسانی بودند که فرزند کودک و نوجوان داشتند؛ چون واقعا ماندن چچه‌ها در این شرایط کار درستی نیست و اگر امکانش باشد که مردم بروند، بد نیست که این کار را بکنند.»

اسراییلی‌ها فرار کردند نه ما!

مریم که برای عمل مادرش در تهران مانده است، چند روز پیش خواهر بزرگ‌تر خود را به دلیل داشتن فرزند کوچک راهی شهر دیگری کرد و امروز در تهران ماند تا تیمارگر مادرش باشد.

ژاو در مورد حال این روزهایش می‌گوید: «هر کسی براساس شرایطی که داره تصمیم می‌گیره که بمونه یا بره. اصلا نباید به اونایی که رفتن، حرفی زد، درسته که شهر خیلی خلوت شده اما مهم اینه که هنوز تهران سرپاست و اهالی شهر برای انجام کارای روزمره به خیابون میان.» مریم وضعیت امروز تهران را با تل‌اویو مقایسه می‌کند و می‌گوید: «وقتی تلویزیون نگاه می‌کنم و حال اشغال‌گرای صهیونیستی رو می‌بینم، به مردم خودمون افتخار می‌کنم که هنوز در شهرها موندن و حواسشون به هم هست و زندگی براشون ادامه داره.»

همشهری



هلال احمر

کمپین «نمی‌دانم»

علیه جاسوسان دشمن

فعالان رسانه‌ای برای حفظ امنیت مراکز دولتی و نظامی کشور در برابر حملات دشمن صهیونیستی و کمک به نیروهای اطلاعاتی و امنیتی کشور، کمپین «نمی‌دانم» را با الگوبرداری از یمن پیاده کرده و از مردم عادی خواسته‌اند به این کمپین بپیوندند.

چرا کمپین نمی‌دانم؟

■ ایران زیر حمله یک جنگ ترکیبی و شناختی است. دشمن به دنبال اطلاعات ریز و درشت مردم است. هدفشان تکمیل بانک‌اهداف و تحلیل‌های عملیاتی‌شان است.

قدرت سکوت هدفمند:

■ هر جمله‌ای می‌تواند گلوله‌ای علیه ما باشد. بی‌اطلاعی نمایشی یک مشارکت امنیتی مردم به شمار می‌آید. هر سکوت به جای یک سنگر مقاوم است.

چه زمانی «نمی‌دانم» بگوییم؟

■ وقتی درباره محل حمله، مکان رویداد یا نام شهر از شما می‌پرسند. ■ وقتی در مورد نیاز جابه‌جایی نیروها یا نقاط اصابت سؤال می‌شود. ■ وقتی کسی در فضای محازی دنبال تأیید اخبار امنیتی و نظامی است.

وظیفه ملی ما

■ سکوت هدفمند ■ همه ما افسر جنگ شناختی هستیم ■ هر خانه یک پایگاه امنیتی مردم